



در عین الوردہ با سپاهیان عبیدالله بن زیاد در سال 65 هجری قمری

واقعه عین الوردہ، نبرد خونین و بزرگی میان شیعیان عراق و سپاهیان شام به فرماندهی عبیدالله بن زیاد بود.

واقعه عین الوردہ، نبرد خونین و بزرگی میان شیعیان عراق و سپاهیان شام به فرماندهی عبیدالله بن زیاد بود.

همان طوری که در اول ربیع الثانی اشاره کردیم، پس از قیام مقدس ابا عبدالله الحسین (ع) و شهادت جانسوز وی و یارانش به دست سپاهیان یزید بن معاویه در سرزمین کربلا و افشاگری اسیران واقعه کربلا در ایام اسارت و روشن گری آنان بر ضد خلافت یزید بن معاویه، یک حالت ندامت و پشیمانی در شیعیان و محبان اهل بیت (ع) به ویژه اهالی عراق و شهرهای بصره و کوفه به وجود آمد و به تدریج در طول چهار سال و اندی، به یک قیام بزرگ تبدیل گردید.

پیشوای این قیام را سلیمان بن صد خزاعی بر عهده داشت و در نخستین روز ربیع الثانی سال 65 قمری با حرکت از کوفه، مخالفت خویش را با دستگاه جبار اموی آشکار کرد.

در آن هنگام، خلافت امویان را مروان بن حکم بر عهده داشت و جنایت کار بزرگ کربلا، یعنی عبیدالله بن زیاد، عامل وقت یزید در کوفه و بصره و آتش افروز اصلی واقعه کربلا، در شام به سر می برد و حکومت مروان را تقویت و پشتیبانی می نمود.

بدین جهت، گروه توأبیین پس از خروج از شهر کوفه، در آغاز وارد سرزمین کربلا شده و پس از چند روز عزاداری و توبه و استغفار، به عزم نبرد با دست اندرکاران اصلی جنایت کربلا، به سوی شام ره سپار شدند.

شامیان که از خروج توأبیین با خبر شده بودند، سپاهی سنگین به فرماندهی عبیدالله بن زیاد برای نبرد با توأبیین به سوی عراق اعزام کردند و دو سپاه در سرزمین عین الوردہ با هم رو به رو شده و در 22 جمادی الاولی، سال 65 قمری نبرد خونینی میان آنان واقع گردید.

سلیمان بن صد خزاعی، پیش از آغاز نبرد، سپاهیان و یاران خود را برای جنگ آماده و آنان را به حیات طیبه اخروی و دل نسیردن به مظاهر دنیوی و گرفتن انتقام از قاتلان کربلا ترغیب و تشویق کرد و به آنان گفت: اگر برای وی اتفاقی افتاد، فرماندهی سپاه را مسیب بن نجبه فزاری، پس از او عبدالله بن سعد ازدی، پس از او عبدالله بن وال تمیمی، و اگر او نیز کشته شود، رفاعه بن شداد بجلی بر عهده خواهند داشت.

آن گاه دسته ای از توأبیین به فرماندهی مسیب بن نجبه فزاری با دسته ای از سپاهیان شامی به فرماندهی ابن ذی الکلاع درگیر شده و شامیان را متحمل شکست سخت و سنگینی نمودند.

عبیدالله بن زیاد، که فرماندهی کل شامیان را بر عهده داشت، بی درنگ حصین بن نمیر را در رأس دوازده هزار مرد جنگی تازه نفس به نبرد توأبیین فرستاد.

در این هنگام، توأبیین با روحیه ای سرشار از پیروزی، از شامیان درخواست کردند که دست از جنگ برداشته و تنها عبیدالله بن زیاد و سایر جنایت کاران واقعه کربلا را به آنان تحویل دهند، تا آن ها از این جنایت کاران انتقام گیرند. شامیان از این امر سرباز زده و در مقابل، از توأبیین درخواست نمودند که خود را تسلیم شامیان نموده و با خلیفه وقت، مروان بن حکم بیعت کنند.

طرفین از درخواست های خویش کوتاه نیامده و در نتیجه، بار دیگر نبرد خونین و بی آمانی میان آنان آغاز گردید و از دو طرف، تعداد بی شماری کشته و زخمی گردیدند و تا شب این درگیری ادامه یافت.

در این نبرد، میدان داری و غلبه نسبی با عراقیان مجاهد و توأبیین مبارز بود ولی تاریکی شب، دو طرف را به استراحت و تجدید قوا وادار نمود و در بامداد روز بعد، بار دیگر سپاهیان شام به فرماندهی ابن ذی الکلاع با هیجده هزار مرد جنگی در برابر توأبیین قرار گرفتند. شایان ذکر است که تعداد کل توأبیین، چهار هزار رزمنده و تعداد جنگ جویان شامی، بیش از سی هزار تن بود.

در این روز نیز پیکار دو طرف، وصف ناپذیر بود و بنا به گفته ابن کثیر: "لم یرالشیب و المرء مثله قط"؛ هیچ پیر و جوانی چنین نبردی

را در زندگي خود ندید.

با فرا رسیدن تاریکي شب، مجدداً دو طرف از جنگ دست کشیده و به مداوای زخمیان و استراحت رزمندگان پرداختند.

در این زمان، نیروهای توأبیین به خاطر کشته و زخمی گردیدن تعداد زیادی از آنان، به شدت کاهش یافته و رفته رفته، سپاهیان شامی بر آنان تفوق می یافتند.

در بامداد روز بعد، ادهم بن محرز باهلی با ده هزار نیروی شامی به سوی توأبیین هجوم آورد و آنان را از هر سو مورد تاخت و تاز خویش قرار داد. اما توأبیین که به عشق شهادت و لقاء الله می جنگیدند، در عین کمی تعدادشان، مردانه مقاومت کرده و با دلاوری های خویش، جلوی ترکنازی های شامیان را می گرفتند. ولی در میان روز، سلیمان بن صرد خزاعی مورد اصابت تیر یزید بن حصین بن نمیر قرار گرفت و در حالی که به مانند مولایش امیرمؤمنان(ع) در آخرین ساعات عمرش می گفت: "فزت و رب الکعبه"؛ در میدان نبرد به شهادت رسید. پس از او، مسیب بن نجبه فزاری پرچم خونین توأبیین را به دست گرفت و سپاهیان عراقی را فرماندهی کرد، ولی ساعاتی بعد، او نیز شهید شد و پس از شهادت وی، عبدالله بن سعد فرماندهی توأبیین را بر عهده گرفت. او نیز پس از مبارزاتی شدید، به شهادت رسید و عبدالله بن وال تمیمی پرچم توأبیین را برگرفت و به نبرد ادامه داد. او که از فقها و مفتیان دینی بود و در واقع، فقه را در عمل به کار بسته بود، پس از ساعاتی مبارزه، به دست ادهم بن محرز باهلی به شهادت رسید و فرماندهی توأبیین به رفاعه بن شداد بجلی رسید و او نیز مبارزه را ادامه داد، تا تاریکي شب فرا رسید.

تعداد اندکی از توأبیین، باقی مانده و اکثر قریب به اتفاق آنان کشته و یا زخمی و از کار افتاده شده بودند.

رفاعه بن شداد، آنان را در تاریکي شب گرد آورد و درباره ادامه مبارزه به مشورت و گفت و گو پرداخت و پس از شنیدن دیدگاه های گوناگون، به این نتیجه رسید که مبارزه و ادامه نبرد را در این جا متوقف کرده و به شهرهای خویش بازگردند، تا با تجدید قوا و تجهیز نیروی بیشتر، بار دیگر به سوی شام هجوم آورند. بدین جهت از تاریکي شب استفاده کرده و به سوی کوفه برگشتند.

هنگامی که به شهر "هیت" رسیدند با سعد بن حذیفه بن یمان روبرو شدند که با سپاهی از اهالی مدائن به یاری توأبیین حرکت کرده بود. سعد بن حذیفه، آنان را تسلیت و تعزیت گفت و با آنان هم دردی نمود و به مداوای زخمیانشان همت گماشت و آنان را کمک و یاری نمود، تا به شهرهای خود برگردند.

بدین سان، سعد بن حذیفه و لشکریان او به مدائن و رفاعه بن شداد و بازماندگان توأبیین به سوی کوفه برگشتند و منتظر قیام دیگری ماندند، تا بار دیگر بر خلافت سراسر جور و ستم امویان بتازند و در یاری اهل بیت(ع) جهاد و از جان گذشتگی کنند.

این فرصت برای آنان در قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی فراهم گردید و با پیوستن به او، عاقبت الأمر انتقام شهدای کربلا را گرفته و جنایت کاران واقعه کربلا را به سزای اعمالشان رسانیدند.